

سرزمین دستسازهای بند انگشتی

گفت و گو با هنرمندی که از هیچ، همه چیز می‌سازد؛

او با وسایل دورریختنی دستسازهای هنری

کوچکی خلق می‌کند که بیشتر نوستالژیک است و

مشتری‌های زیادی هم دارد

اکرم انتصاری | روزنامه‌نگار

هر تابلویی که می‌سازد، آدم را یاد لی‌لی پوت سرزمین افسانه‌ای داستان گالیور و گاهی هم اتاقک کوچولوی زی‌زی گولو می‌اندازد. هر کدام از دستسازهایش واقعا به قدر یک

بند انگشت و شاید کوچک‌تر هستند و خیلی از این دستسازها آدم را به دهه شصت و خانه‌هایش می‌برد. وقتی خانه‌های ایوانی داشتند و طاقچه‌ای و حیاطی، جالب این که بیشتر این دستسازها از مواد دورریختنی ساخته می‌شوند و با یک فرایند هنری به‌آثاری تبدیل می‌شوند که آدم‌ها ساعت‌ها غرق خاطره می‌کند. البته پشت هر کدام از این دستسازها داستانی است شنیدنی و هر کدام حکایت یک خانه، یک کوچه و شاید یک تصویر است. دستسازهایی که از آن حرف می‌زنیم کار نسرین شفق است که ۳۴ فرزند دارد و خودش هم دهه شصتی است. او به‌خاطر علاقه‌اش به وسایل خیلی ریز و کوچک بعد از تجربه چند رشته هنری به سراغ این مینیاتورسازی رفته است و در آن ماندگار شده. هر کدام از آن‌ها را با آزمون و خطا جلو برده است و حالا به نقطه‌ای رسیده که بدون ترس از هر چالشی هر سفارشی را قبول می‌کند. با او درباره مسیر هنری که طی کرده و برنامه‌هایش برای این هنر خلافتانه و جذاب گفت‌وگو کردیم که در پرونده امروز زندگی سلام آن‌را می‌خوانید.

پرونده

دخترم گفت خانه عروسکی در ست کن و

مینیاتور ساز شدم

نسرین ۳۷ ساله است. یک سر فعالیت این مینیاتور ساز به نقاشی‌های هنرمندانه خانم شفق برمی‌گردد و وقتی دلیل تغییر مسیرش را می‌پرسم، ماجرای مینیاتور ساز شدنش را برایش تعریف می‌کند: «من نقاشی را خیلی دوست داشتم ولی به‌خاطر شرایط کاری آن و درآمد کمی که داشتم، هر بار هنرهای مختلف را امتحان کردم تا ببینم کدام بهتر است. به همین خاطر بیشتر هنرها را یاد گرفتم و آخر سر رسیدم به مینیاتور و واقعا تنه‌ها کاری بود که می‌توانست من را راضی کند. هم درآمد خوبی برای من دارد و هم با روحیه من سازگار است. مینیاتورسازی را هم خودم یاد گرفتم. دخترم ۷ ساله بود و می‌گفت برایم خانه عروسک درست کن. برایش درست کردم و خودم خوشم آمد. از بچگی به وسایل کوچولو ریز همیزه علاقه داشتم. به هر چیز کوچکی که فکرش را نمی‌کردم بشود مثلاً آن‌ها را ساخت. بعد که خانه عروسکی ساختم و تختخواب و این جور چیزها، از این کار خوشم آمد. گفتم کم‌کم وسایل مختلف کنم و بعد هم دره‌دره همه چیز جلو رفت تا به این جارسید. الان از هر نظر کارم را دوست دارم و درآمد خوب است.»

حین ساختن، مدام ذهنم را به کار می‌گیرم

یکی از سوالاتی که ذهنم را مشغول کرده، ابزار و مواد اولیه کار این هنرمند است چون بعضی از این وسایل فسقلی به واسطه خلایق هنرمند گزارش مان با مواد دورریختنی ساخته می‌شوند. او فرادین ساخت هر کدام از این دستسازها را توضیح می‌دهد: «من یک سری آموزش در یوتیوب گذاشتم که تمام آن آموزش‌ها با مواد دورریختنی ساخته شده است. حالا تعداد سفارش‌هایی که می‌گیرم بالاست و مواد دیگری هم استفاده می‌کنم اما باز هم بیشتر وسایلی که می‌سازم با مواد دورریختنی است. از هر جنسی که بگوئید من در کارم استفاده می‌کنم. ما قبلاً در دوره دانشگاه، مجسمه‌سازی هم کار کردیم چون رشته نقاشی هنرهای تجسمی خواندم. این باعث شد هر چیزی را خوب ببینم و البته آموزش‌های یوتیوب هم خیلی کمک کرد. حین ساختن، مدام ذهنم را به کار می‌گیرم که حالا این وسیله را با چه چیزی بسازم. مدام می‌رفتم بین وسایل دورریختنی نگاه می‌کردم و می‌گفتم تا ببینم مثلاً از چه ابزاری می‌توانم استفاده کنم تا این وسایل کاملاً شبیه نسخه اصلی‌اش شود. این خیلی به من کمک کرد، جوری که الان هر کسی به من اسم وسیله را بگوید چون تمام آن وسایل دورریختنی و کاربردهایش در ذهن من است، بدون چالش می‌توانم آن را قبول کنم. مثلاً می‌دانم



بطری مایع ظرفشویی که باز کردم زیرش چه شکلی است و به درد چه چیزی می‌خورد، قسمت برآمدگی‌اش کجا به کار می‌آید و حالا تمام ابزار را شناختم و با چشمم آشناست. می‌دانم کدام وسیله ساختش سخت‌تر است و کدام یک راحت‌تر. البته بعضی‌ها بی‌لطفی می‌کنند و می‌گویند این‌ها را با آشغال می‌سازی و فلان قیمت می‌فروشی. البته تعدادشان خیلی کم است.»



روزی ۱۵ ساعت کار می‌کنم ولی خسته نمی‌شوم

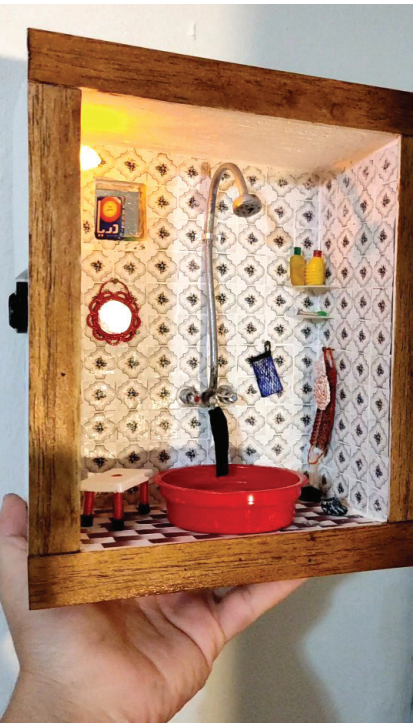
بسانند. «این‌ها حرف‌های این خانم هنرمند درباره ریزه کاری‌های کارش است.



«همه کارهایی که روی مینیاتورها انجام می‌دهم یک سری ریزه کاری دارد. مثلاً پتوی طرح پلنگی که در خانه‌های قدیمی می‌بینید چاپ است اما چراغی که درست کردم لوله وارمر با لوله اسمارتیز ساخته شده است و آن شعله‌پخش کن هم آن دایره پلاستیکی است که روی پیتزا می‌گذارند. من کارم را خیلی دوست دارم، یعنی با این که ساعت‌های طولانی از من می‌گیرد اصلاً خستگی در کارم نیست. من روزی ۱۵ ساعت مشغول این کارم و شاید برای یک ماکت خوب، اگر فشرده کار کنم ۲ روز زمان بگذارد اما خسته نمی‌شوم چون عاشق این کار هستم. همه کار من ریزه کاری است و همین زمان بر است. من حتی از ساخت بعضی وسایل، ویدئو گرفتم و آموزش آن را در یوتیوب گذاشتم. برای کارم هم ابزار و وسیله خاصی ندارم و یک سری وسایل و چسب و ... ابزار کارم هستند. از همه چیز برای کارم استفاده می‌کنم از ته مازیک تا در اسپری و ... شاید باورتان نشود ولی وسایل هر چه ریزتر می‌شوند علاقه من به ساخت‌شان بیشتر می‌شود. البته بچه‌هایم زیاد به کار من علاقه ندارند و این طور نیستند که بیايند کنارم بنشینند تا دست‌سازها

طرح کاشی را از حمام عمومی دوران کودکی برداشتم

گذاشتن یک عکس کوچک پشت سیم برق، گذاشتن یک عکس سه در چهار گوشه قاب عکس و ... کلاً هر قدر نوستالژی را رعایت کنید و به جزئیات اهمیت بدهید مینیاتورها بهتر از کار در می‌آیند. تمیزی کار هم خیلی مهم است.»



بیشتر تابلوها و وسایل مینیاتوری هنرمند گزارش ما مربوط به دهه شصت است و یک جورهایی حالت نوستالژی دارد. وقتی از اول دلیل این موضوع را می‌پرسم، می‌گوید: «علاقه من به آن دوران بیشتر است. بیشتر آن‌ها فضاهایی است که در کودکی و در خانه آدم‌های مختلف دیدم. بعضی هم عکسش را دیدم و دوست داشتم. خب چیزی که همیشه در بچگی دیدیم و با آن خاطره ساختیم، جذابیت دیگری دارد. البته مردم هم نوستالژی را دوست دارند و انگار همه‌مان در آن خاطرات گیر کردیم. برای همین وقتی پست یکی از مینیاتورهای دهه شصت را می‌گذارم خیلی باز دیدش بیشتر است تا چیزی که مدرن‌تر و خارجی باشد. ایرانی‌ها همه عاشق این هستند که وسایل قدیمی را ببینند. مثلاً وقتی یک مهنایی در تابلو کار می‌کنم که روشن می‌شود یا شیر آب باز می‌شود یا ذوق‌زدگی می‌گویند وای این هم کار می‌کند. راستش این قدر این کارها را انجام دادم که کارهای فنی را هم یاد گرفتم. خیلی وقت‌ها تابلوی خانه‌ای را می‌سازم و می‌گویند این عین خانه کودکی ماست. مثلاً وقتی تابلوی حمام را کار کردم دیدم خیلی هانوشند که کاشی‌های حمام مادر بزرگ من عین همین بود. من طرح آن کاشی‌ها را از حمام عمومی دوران بچگی‌ام برداشتم. رفته دیدم دارند آن‌جا را خراب می‌کنند. از کاشی‌ها عکس گرفتم و پرینتش را در تابلوها کار کردم. اصلاً اضافه کردن یک چیز خیلی کوچک رخ کار را عوض می‌کند مثل

با مینیاتور سازی نگاه‌تان به دوروبر عوض می‌شود

باعث می‌شود طرح زیباتر شود. وسایلی که شاید به ذهن فرد دیگری نرسد و این مینیاتورسازی با وسایل دورریختنی را جذاب می‌کند و از طرفی باعث بالا رفتن خلایق افراد می‌شود. خلاصه که این کار خلایق می‌خواهد و صبر و حوصله فراوان.»



شفقی معتقد است کار مینیاتورسازی در کنار علاقه به خلایق هم نیاز دارد و فردی که وارد این رشته هنری می‌شود باید صبور و پر حوصله باشد و می‌گوید: «گستره کار من خیلی زیاد است. یعنی شما اگر به دوروبرتان نگاه کنید، می‌توانید هر ابزار و وسیله‌ای را که می‌بینید کوچک‌ترش را بسازید. به خاطر همین باید خلایق داشته باشید. این طور نیست که مثلاً من یک پنجره را به شما آموزش بدهم و تودوباره همان را بسازی. باید خودت خلایقی به آن اضافه کنی تا بتوانی همه وسایل را بسازی. به نظر م یوتیوب هم به این قضیه خیلی کمک می‌کند. اصلاً وقتی خودتان دو، سه وسیله بسازید نگاه‌تان به وسایل دوروبرتان عوض می‌شود. همین الان مخاطبان من همین را می‌گویند و برایشان جذاب است. می‌گویند نمی‌توانیم راحت از هر وسیله‌ای بگذریم و خیلی از وسایل را به کمک همان ویدئوهای آموزشی ساختیم. حتی بعضی‌ها با خلایق خودشان وسایلی را که ندارند جایگزین می‌کنند و همین

دوست و آشنا می‌گویند به پدرت رفته‌ای

خیلی خیلی خلایق بود. من شاید ۲۰ درصد از خلایقش را داشته باشم. الان هر دوست و آشنایی که کارم را می‌بیند می‌گوید به پدرت رفته‌ای که می‌توانی از هر چیزی یک وسیله بسازی. ما بچه بودیم و چیزهایی را که پدرم می‌ساخت، نگاه می‌کردم تا ببینم چطور به فکرش می‌رسد از آن یک وسیله کاربردی بسازد. فکر می‌کنم استعداد پدرم در این زمینه به من رسیده است.»



در کارهای هنری بیشتر از هر چیزی نتیجه کار دیده می‌شود و مهم است که به فرایند ساخت هم توجه شود؛ به روزهایی که یک هنرمند قدرت خیال و تصویر خود را به کار گرفته تا بتواند تصویر سازی‌هایی را که در ذهنش می‌گذرد، روی کاغذ بیاورد و روی اثر هنری‌اش پیاده کند. نسرین درباره پشت صحنه کارش که شاید جز خانواده‌اش کسی آن را ندیده باشد توضیح می‌دهد و گریزی به خاطراتش از پدرش می‌زند: «دست‌های من همیشه رنگی، چسبی و کثیف است. چسب‌های فوری هم اگر کار کرده باشید می‌دانید که هیچ‌جوره شسته نمی‌شوند. هیچ حلالی هم ندارند که بخواهید دست‌تان را با آن پاک کنید. اما نمی‌دانید از ساختن هر وسیله چقدر ذوق می‌کنم. بارها نگاه‌شان می‌کنم و به بقیه نشان می‌دهم که ببینید با این وسیله به دردتور چه چیزی ساختم. مثلاً لاله عباسی‌ها را از قطره چکان ساختم و هر بار که به آن نگاه می‌کنم لذت می‌برم. اصل کار مینیاتور همین است که به جزئیات اهمیت بدهید. این جزئیات است که کارتان را واقعی‌تر می‌کند حتی اگر یک بافتنی کوچک باشد که روی تلویزیون انداخته باشید. این خلایق و علاقه به جزئیات را از پدر مرحومم به ارث بردم. پدرم

می‌خواهم استاپ موشن را تجربه کنم

باشد. به نظر من آدم اگر بخواهد کارش را ادامه و گسترش بدهد باید به چیزهای بزرگ‌تر فکر و آن‌ها را تجربه کند. من هم برای کارم چنین تصمیمی دارم و امیدوارم در آن موفق شوم.»

